

امکان سنجی نظارت قضایی بر اشتباه موضوعی مقام اداری در حقوق اداری ایران با رویکردی تطبیقی به نظام حقوقی فرانسه (مقاله علمی-پژوهشی)

فاطمه افشاری*

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۳۱ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۰۳

چکیده

اشتباه مقام اداری یکی از موجبات نظارت قضایی ذیل عنوان نقض «قانون مداری» است. یکی از انواع اشتباه، اشتباه موضوعی است و بدین معناست که مقام اداری در تشخیص موضوع یا در انطباق مصادیق با حکم قانونی دچار اشتباه می‌شود. در نظام حقوقی فرانسه، اشتباه موضوعی شامل اشتباه در رکن مادی موضوع، اشتباه در انطباق مصداق با حکم قانونی، اشتباه آشکار ارزیابی، عدم تناسب میان هدف تصمیم و موضوع به صورت تناسب کامل یا بخشی و تناسب تراز هزینه-فایده است که امکان نظارت قضایی بر تمامی انواع آن وجود دارد. در حقوق ایران به دلیل عدم شناسایی مفهوم اشتباه مقام اداری و امکان نظارت مبتنی بر آن در قوانین و آموزه‌های حقوق اداری، در رویه قضایی دیوان عدالت اداری، رأی صریحی مبتنی بر جهت اشتباه مقام اداری در میان آرای شعب و هیئت عمومی وجود ندارد؛ اما در برخی آرا به طور ضمنی بر اشتباه موضوعی مقام اداری اشاره شده است. به نظر می‌رسد با تشریح دقیق آموزه حقوقی در این خصوص مبتنی بر حقوق فرانسه، متون فقهی و جایگاه این مفهوم در حقوق خصوصی و جزای ایران، زمینه اصلاح قانون دیوان و امکان ورود دادگاه‌های اداری با استناد به اشتباه به عنوان مبنای مستقل، فراهم گردد.

کلیدواژه‌گان:

اشتباه موضوعی، نظارت قضایی، حقوق اداری ایران، حقوق اداری تطبیقی، مقام اداری، نظام حقوق فرانسه.

* استادیار گروه حقوق بین‌الملل پژوهشگاه قوه قضائیه

مقدمه

مقامات اداری به موجب صلاحیت قانونی، به اعمال اداری مبادرت می‌ورزند. با توجه به تأثیر عمل مقام اداری بر نظام اداری و حقوق شهروندان، نظارت‌هایی چون نظارت قضایی بر این اعمال ضرورت پیدا می‌کند. نظارت قضایی در یک مفهوم، به معنای نظارت دادگاه‌ها بر قانونی بودن اقدامات و تصمیمات دولت است.^۱ مراجع قضایی در فرایند نظارت بر نهادها و تصمیمات عمومی، علاوه بر تجدیدنظر در آرا و تصمیمات قطعی مراجع اختصاصی اداری، دارای صلاحیت عام رسیدگی به شکایات و اعتراضات نسبت به تصمیمات واحدها و مأمورین دولتی می‌باشند که ثمره این نظارت، تضمین برخورد منصفانه با شهروندان از سوی اداره، منطقی شدن تصمیمات، جلوگیری از خودسری و الزام به پایبندی به قوانین و عدم خروج از حدود اختیارات خواهد بود.^۲

مرجع قضایی در نظارت قضایی بر عمل اداری،^۳ «اقدامات» یا «تصمیمات» قوای حکومتی را تحت نظارت قرار می‌دهد^۴ و موضوع اصلی در آن، پاسخگویی^۵ در تصمیم‌گیری‌های عمومی^۶ مقامات اداری است. این نوع از نظارت، با هدف صیانت از قانون، به عنوان سلاح شهروندان در برابر دولت نسبت به سوءاستفاده از قدرت، نوعی نظارت مضاعف بر اعمال دولتی محسوب می‌شود که با تأکید بر احترام به کثرت‌گرایی و مشارکت شهروندان، به نحوی «دموکراسی قضایی»^۷ را در نسل نوین حقوقی پدید آورده است.^۸

در نظارت قضایی، اعمال اداری مطروحه، نه به منظور قضاوت در مورد درستی تصمیم مقام اداری، بلکه با تکیه بر اختیار دادگاه در نظارت بر اعمال صلاحیت مقام اداری با استناد به دلایل

۱. هداوند، مهدی، *نظارت قضایی: تحلیل مفهومی تحولات اساسی، حقوق اساسی*، سال هفتم، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۹، ص ۱۶.

2. Richardson, Elizabeth C. (1996), *Administrative Law and Procedure*, Clifton Park, Delamar Cengage Learning, p.351.

3. Judicial Review of Executive Action.

۴. راسخ، محمد، *نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی ایران*، تهران: دراک، ۱۳۸۸، ص ۳۷.

5. Accountability.

6. Public decision-making.

7. Judicial Democracy.

8. Manfredi, Christopher & Rush, Mark. (2013), *Judging Democracy*, Toronto, University of Toronto Press, p.35.

متفاوتی مورد نظارت قرار خواهند گرفت.^۱ در نظام حقوقی فرانسه، نظارت قضایی بر عمل اداری بر مبنای اصل قانون‌مداری بر دو جزء تقسیم می‌شود: جزء اول، قانون‌مداری بیرونی (خارجی)^۲ و جزء دوم، قانون‌مداری درونی (داخلی)^۳ است. یکی از موارد قانون‌مداری درونی، نقض قانون^۴ است که در ذیل آن اشتباه موضوعی^۵ به عنوان یکی از موجبات نظارت قضایی در این نظام حقوقی شناسایی شده است.^۶

حال سؤال پژوهش حاضر آن است که نظارت قضایی بر اشتباه موضوعی در حقوق اداری ایران و نظام حقوقی فرانسه بر چه مبنایی و چگونه انجام می‌شود؟ به نظر می‌رسد مبتنی بر نظارت قضایی بر اشتباه موضوعی در نظام حقوقی فرانسه می‌توانیم اشتباه موضوعی مقام اداری را یکی از موجبات نظارت قضایی در حقوق اداری ایران بدانیم که مقام اداری دچار نقض قانون شده و با عنوان غیرقانونی بودن عمل یا انجام عمل خلاف قانون که در قانون ذکر شده، تخلف اداری وی را مورد نظارت قضایی قرار دهیم.

در آموزه‌های حقوق اداری ایران، تاکنون در رساله «الگوی مطلوب نظارت قضایی بر اشتباه مقام اداری در نظام‌های حقوقی انگلستان، فرانسه و ایران» نگاشته نویسنده این مقاله، در خصوص انواع اشتباه و نظارت قضایی بر آن سخن به میان آمده است و نظام‌های حقوقی انگلستان، فرانسه و ایران در این زمینه بررسی شده است. در مقاله دیگری نگاشته نویسنده این مقاله و دکتر محمدرضا ویژه، مباحث فقهی و عنوان فقهی اشتباه بررسی شده^۷ و در کتابی با عنوان «نظارت قضایی بر اشتباه مقام اداری»^۸ به طور مختصر و از نظر فتح باب در این موضوع، مسئله از منظرگاه فقهی، حقوق خصوصی و جزا و تاحدودی در حقوق انگلستان بررسی شده

1. Fordham, Michael. (2008), *Judicial Review Handbook*, Oxford, Hart Publishing, 5th edition, p.5.

2. External Legality.

3. Internal Legality. (Lombrard, Martine & Dumont, Gilles. (2009), *Droit Administratif*, 8th edition, Paris, Dalloz, p.441

4. Violation de la loi.

5. Faits matériellement inexacts.

6. Lombrard, Martine & Dumont, Gilles, *op. cit*, p.441.

۷. ویژه، محمدرضا و فاطمه افشاری، **امکان‌سنجی نظارت بر اشتباه مقام اداری در حقوق اداری**

ایران با رویکردی به فقه امامیه و نظام حقوقی ایران، پژوهشنامه حقوق اسلامی، بهار و تابستان، ۱۳۹۵، دوره ۱۷، شماره ۱، پیاپی ۴۳، صص ۵۱-۸۱

۸. احمدوند، بهناز، فاطمه افشاری و سید شهاب‌الدین موسوی‌زاده، **نظارت قضایی بر اشتباه مقام اداری**، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۵.

است. در این مقاله، برگرفته از مطالب ذکر شده در رساله، به طور خاص نظارت قضایی بر اشتباه موضوعی در حقوق ایران و فرانسه بررسی خواهد شد.

برای پاسخ به پرسش حاضر و بررسی الگوی مطلوب قابل اعمال در حقوق ایران، پس از بررسی مفهوم ابتدایی اشتباه موضوعی و تمایز آن از اشتباه حکمی^(۱)، با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی نظارت قضایی بر اشتباه موضوعی مقام اداری در نظام حقوقی فرانسه^(۲) پرداخته و سپس حقوق ایران را مورد بررسی قرار داده^(۳) و نهایتاً مبتنی بر مطالب، نتیجه بحث و الگوی مطلوب برای حقوق اداری ایران ارائه می‌شود:

۱. دایره مفهومی اشتباه موضوعی

در حقوق اداری فرانسه، اشتباه مقام اداری، این‌گونه تعریف می‌شود: شرایط غیرقانونی یک طرفه مؤثر بر دلایل رأی شورای دولتی.^۱ در رویه قضایی فرانسه و همچنین مبتنی بر فقه، انواع اشتباه به دو نوع اشتباه حکمی و موضوعی از یکدیگر تفکیک می‌شوند. حقوق اداری نگاه خاصی به مقوله اشتباه موضوعی دارد.^۲ در اشتباه موضوعی، مقام اداری در تشخیص موضوع دچار اشتباه شده است. همچنین در مواردی است که مقام اداری، حکم مقرر قانونی را بر موضوعی تطبیق می‌کند که اصولاً در دایره شمول حکم قانونی قرار نمی‌گیرد.^۳

اشتباه موضوعی نسبت به وقایع و رخدادها اتفاق می‌افتد. یک تصمیم اداری باید به میزان کافی با تکیه بر موضوعات دقیق توجیه شود. این قاعده حداقل مستلزم آن است که موضوعات، صحت داشته باشند.^۴ با توجه به اینکه موضوع، سرچشمه تصمیم است، اشتباه در توضیح موضوع یا عدم دقت در مادیات موضوع، دارای اهمیت است. شورای دولتی فرانسه در نظری بیان نموده است: «اگر شورای دولتی نمی‌تواند تناسب حکم مورد بررسی را به دلیل سوء استفاده از اختیار،

1. Gondouin, Geneviève and Inserguet-Brisset, Véronique and Van Lang, Agathe.(2003), *Dictionnaire de droit administratif*, Paris, Armand Colin, 3rd edition, p.107.

2. See: Wade, William & Christopher, Forsyth. (2004), *Administrative Law*, 9th edition, Oxford, p.250; Cane, Peter.(2004), "Understanding Judicial Review and its impact", in: *Judicial Review and Bureaucratic Impact*, Marc Hertogh and Simon Halliday(ed), Cambridge University Press, p.126.

۳. ملکوتی‌هشجین، سیدحسین، «نظارت قضایی بر قانونمندی اعمال اداری: مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی انگلیس و ایران»، رساله دکتری حقوق عمومی، پردیس قم، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹، ص.۱۹۴.

4. Morton, *op.cit.*, p. 90.

ارزیابی کند، اما می‌تواند حقیقت مادی موضوعی که موجب اتخاذ تصمیم شده را مورد نظارت قرار دهد^۱».

در تمایز میان اشتباه حکمی و موضوعی باید گفت وقتی دادگاه ملاحظه می‌کند که یک اشتباه حکمی وجود دارد، برای کشف تعریف صحیح اصطلاحات حقوقی، قانون مربوط را جستجو می‌کند؛ اما وقتی ملاحظه می‌کند که اشتباه موضوعی رخ داده، تلاش می‌کند تا تشخیص دهد موضوعات پرونده چیست و «متناسب» با تفسیر قانون است یا خیر.^۲ اشتباه حکمی وقتی رخ می‌دهد که تصمیم‌گیرنده در برابر الزامات قانونی با خودرأیی عمل کند. به عبارت دیگر، یکی از قوانین را برای تصمیم‌گیری قانونی نقض می‌کند؛ اما اشتباه موضوعی، پیچیده‌تر است. این اشتباه زمانی رخ می‌دهد که تصمیم‌گیرنده‌ای اساس تصمیم خود را روی یک فهم اشتباه از وضعیت موضوعی قرار دهد.^۳ به طور مثال، اگر قانون‌گذار محکمه خاصی برای تعیین اجاره منصفانه یک «خانه مسکونی مبله»^۴ تأسیس کرده باشد، مصداق حکم مقنن، دو شرط ابتدایی دارد: اول آنکه «مسکونی» باشد؛ دیگر اینکه «مبله» باشد. بنابراین اگر مفاد حکم محکمه، اجاره منصفانه‌ای برای خانه مسکونی غیرمبله یا ساختمانی غیر از یک خانه مسکونی را دربرداشته باشد، آن محکمه مرتکب اشتباه موضوعی شده است.^۵

نظر به این مسئله که اطلاعات موضوع و اساس تصمیم در دست مقام اداری است و در امور موضوعی به مقامات اداری اختیار داده شده تا در ارتباط با حوزه تخصصی‌شان اقدام کنند، برخی معتقدند برخلاف اشتباه حکمی، در نظارت قضایی بر اشتباه موضوعی، قاضی خود را در جایگاه مقام اداری قرار می‌دهد و نظر خود را در خصوص موضوع، جایگزین تشخیص موضوع مقام اداری می‌نماید.^۶ این در حالی است که وی تخصص لازم برای تشخیص و تعیین وضعیت موضوع

۱. رک. رأی شورای دولتی در ۱۴ ژانویه ۱۹۱۶ (Camino).

2. Gondouin and others, *op.cit.*, p. 107.

3. Barnett Hilaire. (2007), *Constitutional and administrative law*, 6th edition, Milton Park, Routledge, Cavendish, p.761.

4. *Ibid.*, p.761.

۵. رک. Barnett, *op.cit.*, p.761.

6. Ian, *op.cit.*, p.79.

7. Alder, *op.cit.*, p.370.

اداری را ندارد؛ لذا در برخی کشورها مانند انگلستان، نظارت قضایی بر اشتباه موضوعی را در مقایسه با نظارت بر اشتباه حکمی، در موارد محدودی می‌پذیرند.^۱

در فقه امامیه، دو مفهوم جهل موضوعی و شبهه موضوعی، قرابت مفهومی با اشتباه موضوعی دارند. جهل موضوعی، در مفهوم عدم علم به موضوع، بر دو قسم است: جهل مفهومی و مصداقی.^۲ جهل مفهومی زمانی است که شخص، جاهل به حکم شرعی آگاهی داشته، اما علم به معنای لفظ ندارد و در خود موضوع اشتباه می‌کند.^۳ اما جهل مصداقی، حالتی است که شخص در تطبیق مصداق خارجی و شمول آن نسبت به حکم، اشتباه می‌کند.^۴ در ردیف جهل موضوعی، شبهه موضوعی قرار دارد که در آن نیز دو نوع مفهومی و مصداقی وجود دارد.^۵

مبنتی بر مطالب فوق‌الذکر، اشتباه موضوعی مقام اداری را می‌توان حالتی دانست که مقام اداری علم به معنای لفظ قانونی ندارد و در خود موضوع دچار تردید و ابهام و اشتباه می‌گردد یا در انطباق افراد و مصداق خارجی و شمول آن نسبت به حکم کلی دچار اشتباه می‌شود.

۲. نظارت قضایی بر اشتباه موضوعی در نظام حقوقی فرانسه

در زمان اجرای قانون گاهی مقامات اداری در موضوع اشتباه می‌کنند. با توجه به تأثیر موضوع در تصمیم‌گیری، از سال ۱۸۶۰ نظارت بر موضوع، در حقوق فرانسه الزامی شده و نظارت دقیقی توسط قضات بر این مسائل صورت گرفته است. جزئیات، در بررسی موضوع دقیقاً بیان می‌شود و تصمیماتی که مبتنی بر اشتباه در موضوع اتخاذ شده باشد، لغو می‌شوند.^۷

1. *Ibid*, p.542; Barnett, *op.cit*, p.534.

۲. آقای نیای، حسین و رضا زهروی، مطالعه تطبیقی جهل بسیط متهم و آثار آن در فقه امامیه، حقوق کیفری ایران و آمریکا، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، ۱۳۸۸، شماره ۴، ص ۴.

۳. موسوی، محمدصادق، مبانی نظری جهل و اشتباه و آثار آن بر اعمال حقوقی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲، ص ۱۲۰.

۴. همان، صص ۱۱۶ و ۱۲۰.

۵. ر.ک: الحسینی المراعی، سیدمیرعبدالفتاح بن علی، *العناوین الفقهیه*، جلد ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ه.ق، صص ۴۹۷ و ۴۹۸؛ امامی، سیدحسین، *حقوق مدنی*، جلد ۲، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۳۵.

6. Leberton, Gilles. (2007), *Droit Administratif Général*, Paris, Dalloz, p.482 .

7. Dupuis, Georges & Guédon, Marie-José & Chrétien, Patrice. (2000), *Droit Administratif*, Paris, 7th édition, Armand Colin, p.581.

اشتباه موضوعی در فرانسه در چند مورد محقق می‌شود: یا در مواردی است که مقام اداری در رکن مادی موضوع دچار اشتباه شده و به دلیل شناخت نادرست موضوع، تصمیم گرفته است؛ یا در مواردی است که موضوع را درست تشخیص داده و مصداقی را به طور نادرست، مشمول حکم قانونی خاص بداند.^۱ دیگر حالت اشتباه موضوعی در زمانی است که تناسب میان هدف تصمیم و موضوع وجود ندارد.^۲

در ذیل، انواع اشتباه موضوعی در دو مدل کلی اشتباه در موضوع و عدم تناسب میان هدف تصمیم و موضوع بررسی می‌شود:

۲.۱. نظارت بر اشتباه در موضوع

در نظام حقوقی فرانسه، اشتباه در موضوع شامل سه دسته نظارت‌پذیر اشتباه در رکن مادی موضوع، اشتباه در انطباق مصداق بر حکم قانونی و اشتباه آشکار ارزیابی از نوع اول می‌گردد که در ذیل، مفهوم هر یک و مصادیقی از رویه شورای دولتی در هر یک بیان می‌گردد:

۲.۱.۱. اشتباه در رکن مادی موضوع

اگر مقام اداری تصمیم خود را با تکیه بر موضوعی که وجود نداشته یا متفاوت از موضوع واقعی بوده، بگیرد، در این حالت، اشتباه در رکن مادی موضوع رخ داده است.^۳ مفهوم رکن مادی موضوع در اینجا موضوعی است که دولت در تصمیم خود بر آن تکیه کرده تا اتخاذ تصمیم نماید. قاضی شورای دولتی تقریباً در همه موارد، رکن مادی موضوع را تحت نظارت قرار می‌دهد^۴ و در صورت وقوع این نوع اشتباه، تصمیم مبتنی بر آن را لغو خواهد کرد.^۵

رای شورای دولتی در ۱۴ ژانویه ۱۹۱۶ در قضیه کامینو^۶ از اولین مصادیق این نوع نظارت بود. در این مورد ادعا شد تابوت مرده‌ای را از محل نامناسبی عبور داده و قبر بسیار کوچکی برای او کنده بودند. با این اقدام، شهردار، احترام در مراسم دفن یک شخص را رعایت نکرده بود؛ در صورتی که از نظر قانونی باید این کار را می‌کرد. به همین دلیل شهردار از پست خود برکنار شد؛

1. Lombard and Dumont, *op. cit.*, p. 441.

2. Gondouin and others, *op. cit.*, p. 108.

3. Lombard & Dumont, *op. cit.*, p. 441; See in: Leberton, *op. cit.*, p. 482; Auby, Jean-Marie & Fromont, Michel, *op. cit.*, p. 31.

4. Auby, *op. cit.*, p. 29.

5. Lombard & Dumont, *op. cit.*, p. 441.

6. CE Camino 1916.

اما بعداً معلوم شد که این موضوع اشتباه بوده و میت را از در ورودی وارد کرده بودند. از شورای دولتی تجدیدنظر علیه تصمیم دولتی درخواست شد. در این پرونده، شورا به لحاظ اینکه موضوع از لحاظ مادی نادرست بوده، حکم فسخ آن را صادر کرد.^۱

پرونده‌های دیگری نیز وجود دارد که به دلیل عدم رعایت صحت موضوع و تکیه بر موضوع نادرست ابطال شدند. یک مورد، اخراج یک فرماندار مبتنی بر درخواست استعفای وی بود، در صورتی که او چنین درخواستی نکرده بود.^۲ مورد دیگر،^۳ اخراج یک شخص خارجی از کشور به دلیل اعمال خشونت بود؛ در صورتی که در هیچ جای پرونده او چنین چیزی وجود نداشت.^۴ در پرونده دیگری (۱۹۸۸) تقاضای شوکت^۵ که یک فرد پاکستانی بود- برای اعطای تابعیت، غیرقابل پذیرش اعلام شد؛ به این دلیل که او در فرانسه اقامت نداشت. وی برای اینکه مقیم بودن را نشان دهد، باید ثابت می‌کرد که «مرکز امور مهم» او در فرانسه بوده است. این درحالی بود که در زمان ارائه درخواست تابعیت، همسر و فرزندانش همراه با او در فرانسه زندگی می‌کردند.^۶

۲.۱.۲. اشتباه در انطباق مصداق با حکم قانونی

این اشتباه، ناشی از تفکر اشتباهی است که مقام اداری گمان می‌کند مصداق خاص، مشمول عنوانی است که یک قانون ارائه می‌دهد.^۷ در این نوع از اشتباه، رکن مادی موضوع مشخص شده، اما مقام اداری به طور نادرست آن را ارزیابی کرده و گمان می‌کند مشمول مفاد یک قانون خاص است.^۸ وی تصمیم خود را بنا بر «موضوعی که ویژگی توجیه تصمیم تحت اعتراض را ندارد» گرفته است.^۹

1. See in: Leberton, *op.cit*, p.483.

۲. Morton, *op.cit*, p.90. را ببینید در: Tissot, *op.cit*, p.483.

3. CE Konate D 1981..

4. Leberton, *op.cit*, p.483.

5. *Shaukat*

6. Morton, *op.cit*, p.90.

7. Leberton, *op.cit*, p.483.

8. Lombard & Dumont *op.cit*, p. 441.

9. Dupuis & others, *op.cit*, p.581.

این نوع از اشتباه موضوعی در رأی شورای دولتی در ۴ آوریل ۱۹۱۴ در قضیهٔ گومل^۱ مورد تصریح قرار گرفت.^۲ در این قضیه، طبق قانون ۱۹۱۱ مقامی مانند فرماندار می‌توانست مجوز ساخت ساختمانی که چشم‌انداز یک اثر باستانی را به هم می‌زند، رد کند. فرماندار منطقهٔ سین^۳ از این متن استفاده کرده بود تا درخواست ساخت در منطقهٔ پلس بووو^۴ پاریس را رد کند؛ با این استدلال که ساخت‌وساز مورد درخواست، مانع از مشاهدهٔ چشم‌انداز ساختمان‌های این منطقه می‌شود. برای بررسی قانونی بودن این تصمیم، شورای دولتی تصمیم گرفت که بررسی کند آیا ساخت و ساز در منطقهٔ پلس بووو واقعاً مستحق عنوان مانع «چشم‌انداز یک اثر باستانی» مدنظر در قانون ۱۹۱۱ است؟ جواب منفی بود؛ با این استدلال که چشم‌اندازی که ارزش معماری داشته باشد، در این منطقه وجود نداشت. شورا این تصمیم را به دلیل اشتباه در انطباق مصداق با حکم قانونی لغو کرد.^۵

۲.۱.۳. اشتباه آشکار ارزیابی نوع اول

اشتباه آشکار ارزیابی، در اصل، اشتباهی آشکار در انطباق مصداق با حکم قانونی و ارزیابی موضوع است.^۶ در بسیاری موارد، مقام دولتی در بررسی موضوع، دارای صلاحیت اختیاری می‌باشد. صلاحیت اختیاری به مقام اداری فرصت انتخاب میان دو امکان یا بیشتر را فراهم می‌آورد. در چنین شرایطی مقام اداری می‌تواند از میان گزینه‌های پیش‌روی خود یکی را برگزیند و انتخاب هر گزینه قانونی است.^۷ با وجود این آزادی اعطا شده به مقام اداری،^۸ ممکن است انتخاب یک گزینه در موقعیت تصمیم‌گیری، مورد اعتراض واقع شود؛ زیرا در اشتباه حاضر، مقام اداری تصمیمی گرفته که صلاحیت اختیاری به او این اجازه را می‌داده و اشتباهی حکمی وجود ندارد؛ اما یک اشتباه قابل توجه در ارزیابی از موضوعات به وجود آمده که راه‌حل منتخب را توجیه نمی‌کند. در این شرایط، قاضی، لازم یا بهتر می‌داند که چهارچوبی برای صلاحیت اختیاری

1. Gomel 1914.

2. Tifine, op.cit, p.9.

3. Seine

4. Place Beauveau

5. Leberton, op.cit, p.483; Morton, op.cit, p.90; Tifine, op.cit, p.9.

6. Leberton, op.cit, p.484; See in: Rivero & Waline, op.cit, p.250; Auby, op.cit, p.29.

7. Tifine, op.cit, p. 12; Rivero & Waline, op.cit, p.250.

8. Dupuis & others, op.cit, p. 581.

تصمیم‌گیرنده بگذارد؛^۱ لذا به نظارت بر این نوع از اشتباه اقدام می‌کند و در صورتی که اشتباه آشکار باشد، حکم فسخ صادر می‌کند.^۲ در واقع می‌توان گفت هدف از نظارت بر این نوع اشتباه آن است که به مقامات اداری، پیروی از عقل سلیم و منطق را تحمیل کند و از تصمیم‌های غیرمنطقی جلوگیری کند.^۳

استاد بریوان بیان می‌کند که نظارت بر اشتباه آشکار ارزیابی، تضمینی برای تجاوز از اختیار است. «صلاحیت اختیاری شامل حق اشتباه است؛ اما نه اینکه اشتباهی را به طور آشکار انجام دهد که هم واضح است هم جدی».^۴

نظارت بر اشتباه آشکار ارزیابی در رویه قضایی، در سال ۱۹۶۱^۵ به‌طور کامل مورد قبول واقع شد. در سال‌های ابتدایی ایجاد این نوع نظارت، زمینه فعالیت آن محدود به خدمات عمومی بود. رأی شورای دولتی در خصوص مانع فرمیل^۶ در راستای ایجاد برابری بین شغل مأمور فضای سبز و مأمور اطراف ریل‌ها در جنگل‌ها و مزارع را می‌توان از مصادیق اشتباه آشکار در ارزیابی دانست که همراه ابطال تصمیم بود.^۸ پس از آن، این نظارت به زمینه‌های دیگری که در آنها عمل اداری مشمول هیچ قانونی نبود، نیز گسترش یافت. در این‌گونه موارد، در انطباق مصداق با حکم قانونی، قاضی مجبور می‌شود تا برداشت خود را کاملاً جایگزین برداشت مقام اداری و تعریف اوصاف قانونی موضوع نماید.^۹ زیرا در این نوع اشتباه، قاضی شورای دولتی، تنها تصمیم‌هایی را لغو می‌کند که همراه یک اشتباه «آشکار» در انطباق مصداق با حکم قانونی هستند؛ یعنی اشتباهی که آن قدر غیرمنطقی است که هیچ عقل سلیمی نمی‌تواند آن را بپذیرد. نکته قابل توجه در رویه قضایی این است که طبق رأی قضایی لاگران،^{۱۰} قاضی در نظارت بر این نوع از اشتباه، اشتباه‌های کوچک مقام اداری را که آشکار نیستند، به او می‌بخشد، نه به خاطر اینکه اشتباه موضوعی نیستند؛ بلکه به این دلیل که هم‌جنس هر نوع صلاحیت اختیاری آزاد هستند.

1. Leberton, *op.cit*, p.485.
2. Rivero & Waline, *op.cit*, p.250.
3. Dupuis & others, *op.cit*, p.581.
4. Gondouin & others, *op.cit*, p.107.
5. *CE Lagrange* 1961.
6. Leberton, *op.cit*, p.484.
7. *Cne de Montfermeil* 1962.
8. *Dlle Achart* 1961.
9. Gondouin & others, *op.cit*, p.107.
10. *CE La grange* 1961.

از مصادیق نظارت بر اشتباه آشکار ارزیابی، قضیهٔ بلتون^۱ بود که در این رأی، انتصاب یک ناخدای بازرگانی دریایی در گروه بازرسان کل کتابخانه‌ها لغو می‌شود؛ به خاطر اینکه یک دریانورد با وجود شخصیت متعالی و تخصص در زمینهٔ کاری خود، مسلماً «توانایی»های لازم مذکور در مادهٔ ۶ اعلامیه ۱۷۸۹ برای بازرسی کتابخانه‌ها را ندارد.^۲ مصداق دیگر، رأی شورای دولتی در پروندهٔ پردو^۳ است. در این پرونده وزیر کشور در خصوص اخراج یک تبعهٔ خارجی، بر اساس این تصمیم گرفته بود که فرد وارد شده به فرانسه در شرایط غیرقانونی اقامت داشته و اشتغال به هیچ شغل و درآمد عادی نداشته است. موضوعات مطروحه، این اجازه را می‌داد تا بنا بر حکم قانون، نتیجه گرفته شود که حضور این شخص، تهدیدی برای نظم عمومی می‌باشد. به دلیل وجود تناقض در بخشی از اسناد، شورا نظر داد که وزیر یک اشتباه آشکار در ارزیابی انجام داده است؛ لذا تصمیم مذکور لغو شد.^۴

نظارت قضایی بر اشتباه آشکار ارزیابی را می‌توان گام مهمی در راه ایجاد دولت حقوقی (حاکمیت قانون) دانست؛ زیرا از تبدیل صلاحیت اختیاری به قدرت خودسرانه جلوگیری می‌کند، بدون اینکه آن را به صلاحیت تکلیفی یا محدود تبدیل نماید.^۵

۲.۲. عدم تناسب هدف تصمیم نسبت به موضوع

شناسایی این نوع از اشتباه موضوعی را می‌توان با نظارت بر تناسب توسط قاضی که از سال ۱۹۳۳ مورد پذیرش قرار گرفت، هم‌زمان دانست. این نوع نظارت، شامل نظارت بر تناسب کامل، نظارت بر تناسب بخشی و یا نظارت بر تراز هزینه-فایده است که در ذیل بررسی می‌شود:

۲.۲.۱. نظارت بر تناسب کامل

این نظارت که با رأی معروف بنجامین^۶ آغاز شده است، به بررسی این امر می‌پردازد که آیا تصمیمات مقام اداری در راستای جلوگیری از به هم ریختن نظم عمومی، به آزادی عمومی لطمه می‌زند. مسئله در اینجا، تناسب تصمیم نسبت به موقعیت موضوع با در نظر گرفتن هدفی است

1. CE Bleton 1988.

2. Leberton, op.cit, p.485; Tifine, op.cit, p. 12; Gondouin & others, op.cit, p.107.

3. CE Pardov

4. Tifine, op.cit, p.14.

5. Leberton, op.cit, p.485.

6. CE Benjamin 1933.

که سازمان دولتی در نظر دارد^۱ و سؤال آن است که با فرض وضعیت به‌هم‌ریختگی شدید، نظم عمومی که هدف مقام اداری جلوگیری از آن است، آیا تصمیم وی با لطمه به آزادی‌های عمومی تناسب دارد؟ با توجه به درمیان بودن بحث حق‌ها و آزادی‌های عمومی، این نظارت بسیار سخت می‌باشد و سعی در محدود کردن صلاحیت مقام اداری می‌نماید. کوچک‌ترین بی‌تناسبی، همراه مجازات بوده و باعث لغو تصمیم می‌شود؛ لذا به این نظارت، «نظارت حداکثری» گفته می‌شود.^۲ استفاده از اصطلاح «ذاتاً ... ایجاد می‌کند» معمولاً نشان‌دهنده استفاده از این نظارت است. به طور مثال، در رأی بنجامین،^۳ یک سخنران بدنام از سخنرانی در نشست عمومی یک انجمن ادبی منع شد؛ به این دلیل (بهانه) که برخی از گروه‌های شورشگر (توطئه‌گر) تهدید کرده بودند که در صورت سخنرانی او، نظم عمومی را بر هم می‌زنند. شورای دولتی مقرر داشت که دلایل ارائه شده برای توجیه این تصمیم کافی نیست؛ زیرا اثبات نشده که ممکن است ذاتاً بی‌نظمی عمومی جدی به معنای ماده ۹۷ قانون ۵ آوریل ۱۸۸۴ بروز نماید. دیگر اینکه ممنوع کردن برگزاری این نشست، تنها راه برخورد با این تهدید نیست و اقدامات انعطاف‌پذیرتری نیز وجود دارد؛ مانند آنکه می‌توانست تصمیم دیگری بگیرد که به آزادی اجتماعات لطمه کمتری بزند و با احتمال به هم ریختن نظم عمومی به نحو مطلوب‌تری مبارزه کند.^۴ به طور مثال، راه‌حل این بود که توسط نیروهای پلیس، نشست را تحت مراقبت و نظارت قرار دهند.^۵ به همین سبب، شورا تصمیم ممنوعیت را لغو کرد.^۶

پرونده ویلومی (۱۹۷۸)^۷ مثال خوب دیگر در این زمینه است که در آن، مدیر یک کمیته کشاورزی محلی، به دلیل تأخیر در پاسخ دادن به استعلام صورت گرفته از سوی وزیر مالی فرانسه، از کار برکنار شد. شورای دولتی با وجود اینکه پذیرفت این تأخیر یک خطای شغلی است، اعلام کرد که حکم برکناری شخص مزبور به‌طور آشکار حکمی غیرمتناسب است.^۸

1. Dupuis & others, *op. cit.*, p. 581.

2. Leberton, *op. cit.*, p. 485.

3. *CE Benjamin 1933*.

4. Leberton, *op. cit.*, p. 485; Dupuis & others, *op. cit.*, p. 581.

5. Leberton, *op. cit.*, p. 485.

6. Leberton, *op. cit.*, p. 485; Dupuis & others, *op. cit.*, p. 581.

7. *Vimolay 1978*.

8. Bell, John. (1998), *Principles of French Law*, New York, Oxford University Press, p. 187.

۲.۲.۲. نظارت بر تناسب بخشی

این نظارت سبک‌تر از نظارت بر تناسب کامل، از سال ۱۹۷۴ آغاز شد. نظارت بر تناسب بخشی که نظارت بر «اشتباه‌های آشکار ارزیابی از نوع دوم» نیز خوانده می‌شود، اشتباهاتی را مورد نظارت قرار می‌دهد که دارای دو شرط باشند: اول آنکه اشتباه آشکار باشند؛ دوم آنکه اشتباه در تناسب میان هدف تصمیم نسبت به موضوع رخ داده باشد. برخلاف نظارت بر تناسب کامل که مقامات اداری را محدود می‌کند، این نظارت به حدود صلاحیت اختیاری مقامات توجه می‌کند و مانند نظارت بر اشتباه آشکار ارزیابی از نوع اول، در گروه «نظارت‌های حداقلی» است. دیگر شباهت این گروه با نظارت بر اشتباه آشکار ارزیابی نوع اول در آن است که اشتباهات کوچک را به مقام اداری می‌بخشد؛ گرچه این نوع از اشتباهات در ارزیابی اعتراض‌پذیر هستند. تنها اختلاف این نوع نظارت با اشتباه آشکار ارزیابی نوع اول در زمینه ناحیه دخالت است که نوع اول بر انطباق مصداق با حکم قانونی نظارت نموده، اما نوع دوم بر تناسب هدف تصمیم نسبت به موضوع نظارت می‌کند.^۱

یکی از مصادیق نظارت بر تناسب بخشی در رویه قضایی فرانسه، مواردی است که شدت مجازات انضباطی به‌طور آشکار بسیار بیشتر از اشتباه بی‌تأثیر کارمند باشد و به عبارت دیگر، عدم تناسب میان موضوع و تصمیم، واضح باشد که در این صورت، تصمیم لغو می‌شود. مجازات یک کارمند دولتی به دلیل اشتباه انضباطی وی،^۲ اخراج کردن کارمند به خاطر بی‌توجهی^۳ یا به خاطر فحاشی به شخصی در حالت حضور طرفین و عدم وجود شخص ثالث^۴ از جمله موارد بی‌تناسبی میان هدف تصمیم نسبت به موضوع بدون وجود اشتباه آشکار است.

۲.۲.۳. نظارت بر تراز هزینه-فایده

این نظارت که در سال ۱۹۷۱ به وجود آمده، شامل مقایسه هزینه نسبت به فایده (نفع و ضرر) تصمیم مقام اداری است. در ترازنامه منفی که ضرر تصمیم بیشتر از نفع آن است، قاضی به این نتیجه می‌رسد که یک اشتباه در انطباق مصداق با حکم به وجود آمده و تصمیم قابل اعتراض را

1. Leberton, *op. cit.*, p.487.
 2. Leberton, *op. cit.*, p.487.
 3. *CE Vinolay 1978.*
 4. *CE Rigaud 1982.*

لغو می‌کند.^۱ این نظارت پیشرفته‌تر از نظارت بر اشتباه آشکار ارزیابی است؛ زیرا در لحظه‌ای که ضرر تصمیم بیشتر از مزایای آن شود، تصمیم لغو می‌شود؛ حتی اگر ضرر این تراز آشکار نباشد.^۲ اما این نظارت، به میزان نظارت بر تناسب کامل در رأی بنجامین پیشرفته نیست؛ چراکه وقتی مزایای تصمیم بیشتر از ضررهای آن است، به ندرت باعث لغو تصمیم می‌شود و قانونی بودن تصمیم را می‌پذیرد، بدون اینکه جستجو کند آیا تصمیمی دیگر تناسبی بیشتر با موضوع نداشته است؟

نظارت بر تراز هزینه - فایده در اصل، یک نوع نظارت بر تناسب خاص می‌باشد که هدف آن، دقیق کردن نظارت بر انطباق مصداق با حکم قانونی است. به عبارت دیگر، نوع نظارت، عادی اما موضوع نظارت، خاص و حساس است^۳ که بنا بر آن، قاضی جوانب مثبت و منفی یک تصمیم را در کنار هم می‌گذارد تا تصمیم بگیرد.^۴

در ابتدا، نظارت بر تراز هزینه- فایده بر تخلف از مقررات مربوط به منافع عمومی مورد استفاده قرار گرفت. از اوایلن مصادیق آن می‌توان پرونده‌های سلب مالکیت را نام برد. نظارت شورای دولتی بر مسئله سلب مالکیت با پرونده ویل نوول^۵ آغاز شد. این پرونده مربوط به سلب مالکیت از اراضی خاصی مشتمل بر ساختمان‌های نوساز بود که قصد داشتند در آن اراضی، دانشگاهی ساخته شود. در پرونده مزبور، عدم تناسب جدی میان منافع عمومی حاصل از ساخت یک محوطه دانشگاهی و زیان وارده به مالکان اراضی مشاهده نشد. اما اصل تناسب پایه‌گذاری شد و با استناد به آن، امکان ابطال تصمیمات اداری در آینده فراهم گردید. همان‌طور که می‌بینیم، «با توجه به اهمیت سلب مالکیت، عملیات در صورتی صحیح است که آسیب به اموال خصوصی، هزینه‌های مالی و در مواردی، عواقب اجتماعی و نقض دیگر منافع عمومی، بیش از حد نباشد». به عبارت دیگر، در صورتی غیرقانونی است که اصل تناسب رعایت نشده و ترازنامه «هزینه-فایده» بسیار نامتعادل یا بیش از حد ناسازگار باشد.^۶

1. Tifine, *op.cit*, p.14.

2. Ibid.

3. Leberton, *op.cit*, p.488.

4. Sriwannapruerk *op.cit*, p 213; Tifine, *op.cit*, pp.14-16.

5. *Ville Nouvel Est(1971)*

6. Dupuis & others, *op.cit*, p.581.

نظارت بر تراز هزینه-فایده، در بسیاری از مواقع در زمینه‌هایی که از نظر سیاسی حساس است، استفاده می‌شود؛ لذا قضات آن را با احتیاط مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند.^۱ مطالعه عمیق رویه قضایی در حوزه این نوع نظارت نشان می‌دهد که هرچه تصمیمات و اقدامات مقامات اداری گسترده‌تر باشد، قاضی تمایل بیشتری به این باور خواهد داشت که منافع آن بیشتر از مضرات آن است. در اغلب موارد، تنها اشتباه‌های آشکار مجازات می‌شوند و این رفتار کاملاً تناقض‌آمیز، نظارت حداکثری را به نظارت حداقلی و محدود نزدیک می‌کند.^۲ به طور مثال، در زمینه سلب مالکیت، بیانیه منافع عمومی را در صورتی لغو می‌کنند که پروژه کم حجم^۳ یا حجم متوسط باشد.^۴ اما هیچ وقت تصمیمات پروژه‌های بزرگ ملی مثل ساخت بزرگراه،^۵ پایگاه نظامی^۶ یا خط قطار پرسرعت کشوری^۷ را لغو نمی‌کنند.^۸

۳. نظارت قضایی بر اشتباه موضوعی مقام اداری در حقوق ایران

در اصول فقه امامیه، اشتباه به اعتقاد جازم یا ظن قوی بر صحت تصور و عمل معنا شده است.^۹ واژه اعتقاد گویای این است که فرد اشتباه‌کننده براساس دلایلی اعتقاد به واقعیت پیدا کرده است؛ اما اعتقادی نادرست و غیردقیق وجود دارد.^{۱۰} در متون فقه، اشتباه موضوعی غالباً با عناوینی مانند شبهه و جهل موضوعی مورد بحث قرار گرفته و همان مباحث وارد حقوق خصوصی و جزای ایران نیز شده است که بحث درخصوص آن در این مقال نمی‌گنجد.^{۱۱} اما برای مطالعه نظارت قضایی مبتنی بر مبنای مذکور در حقوق اداری ایران، ناچار به جستجو در

1. Leberton, *op. cit.*, p.489.

2. Tifine, *op. cit.*, p.16.

3. CE Dlle Drexel-Dqhlgren 1980.

4. CE SOS riviere et environnement 2004; CE Association pour la protection du lac Sainte-Croix de Montecler 2006.

5. CE Adam 1975.

6. CE Tarlier 1977.

7. Comité opposé à toutes les lignes de TGV 1985

8. Leberton, *op. cit.*, p.489.

۹. التفتازانی، سعدالدین، **مختصر المعانی**، قم: دارالفکر، ۱۴۱۱ه.ق، ص ۳۰؛ الموسوی الخویی، سیدابوالقاسم،

مبانی تکملة المنهاج، جلد ۴۱، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی(ره)، ۱۴۲۲ه.ق، ص ۲۳۴.

۱۰. آخوندی، روح‌اله، **مفهوم جهل**، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال سیزدهم، ۱۳۹۱، شماره ۱، پیاپی ۳۵،

ص ۱۱۸.

۱۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: ویژه و افشاری، پیشین.

منابع حقوق اداری ایران هستیم. مهم‌ترین منابع برای بررسی شناسایی مفهوم ذکر شده و نحوه نظارت بر آن، در ابتدا قانون و در مرتبه دوم، رویه قضایی مراجع مرتبط با حقوق اداری است. بدون شک اولین نهاد در این زمینه، دیوان عدالت اداری به‌عنوان مرجع قضایی به منظور نظارت بر تصمیمات دولت و کارکنان آن است که در ذیل به بررسی قانون و رویه می‌پردازیم:

۳.۱. پویای تاریخی نظارت قضایی بر اشتباه مقام اداری در قانون دیوان عدالت اداری

قانون‌گذار اساسی جمهوری اسلامی ایران با اصل ۱۷۳ قانون اساسی، نهادی با نام دیوان عدالت اداری را در راستای حمایت از حقوق و آزادی‌های مردم در برابر نهادهای اداری تشکیل داد. برخلاف حقوق فرانسه، مبانی نظارت قضایی در حقوق اداری ایران مورد تصریح قرار نگرفته است و در قوانین نیز برخی موجبات نظارت به نحو پراکنده بیان شده‌اند؛ اما از عبارت «احقاق حقوق» در اصل فوق، به نحو عام می‌توان ظرفیت لازم برای توسعه دلایل مبنای نظارت قضایی بر اعمال اداری در ایران را مستفاد نمود.

در قوانین دیوان عدالت اداری از ابتدا تاکنون، صراحتاً عنوان اشتباه و نظارت قضایی مستقلی بر مبنای آن شناسایی نشده و به دلیل عدم صراحت، رویه قضایی صریح مبتنی بر نظارت بر اشتباه مقام اداری نیز تاکنون در حقوق اداری ایران ایجاد نشده است. اما از برخی عبارات قانونی، صلاحیت دیوان عدالت اداری برای این نوع نظارت را می‌توان استنباط کرد.

ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰ اولین ماده در بیان حدود صلاحیت دیوان است. این ماده در بیان جهات رسیدگی، عدم صلاحیت مرجع مربوط، تجاوز یا سوءاستفاده از اختیارات و همچنین مصوبه خلاف قانون را ذکر کرده است. در توضیح ارتباط این عنوان با اشتباه باید بگوییم، در تقسیم‌بندی مبانی نظارت قضایی در نظام حقوقی انگلستان و حقوق آلمان، یکی از جهات نظارت قضایی، تجاوز از اختیارات است^۱ که در حقوق نوین انگلستان و مبتنی بر تعریف موسع از این آموزه، اشتباه مقام اداری نیز ذیل آن قرار می‌گیرد.^۲ همچنین براساس دسته‌بندی موجبات نظارت قضایی انگلستان، غیرقانونی بودن از مبانی نظارت قضایی است که اشتباه مقام

1. Stott & Felix, (1997), *Principles of Administrative Law*, 1st ed, London, Sydney: Cavendish Publishing Ltd, p.300.

2. Alder, John. (2002), *General principles of constitutional and administrative law*, 4th edition, New York, Palgrave, p371; Coles, Joanne & Reynolds, Jane. (2008), *Key facts: Constitutional and administrative law*, 2nd Edition, London, Holder Arnold, p.114.

اداری در ذیل آن می‌گنجد.^۱ در حقوق فرانسه نیز اشتباه مقام اداری ذیل عنوان نقض قانون‌مداری درونی قرار می‌گیرد.^۲ اگر این تقسیم‌بندی‌ها را در حقوق داخلی ایران نیز وارد نماییم، عنوان کلی تجاوز از اختیارات و غیرقانونی بودن در قانون دیوان تصریح شده که یکی از مصادیق آن نیز اشتباه مقام اداری است. براین اساس، در صورت وقوع اشتباه توسط مقام اداری در صدور آیین‌نامه یا هر نوع مقرر دولتی یا اشتباه در اعمال و تصمیمات، امکان نظارت مقام قضایی بر اشتباه وی وجود دارد.

در قانون دیوان عدالت اداری سال ۸۵، صلاحیت میان هیئت عمومی و شعب دیوان تفکیک شد. در ماده ۱۹ این قانون، در بیان صلاحیت هیئت عمومی در رسیدگی به آیین‌نامه‌ها و مقررات دولتی، یکی از جهات نظارت را تجاوز از حدود اختیارات دانسته است. در قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۹۰ نیز به‌طور مشابه در مواد ۱ و ۱۲ این قانون، با عباراتی مشابه در بیان صلاحیت هیئت عمومی دیوان، عنوان خروج از اختیارات و تخلف از قوانین بیان شده است که عبارات فوق در قانون، بیانگر صلاحیت این مرجع در ابطال مصوبات دولتی در صورت اشتباه مقام اداری در وضع مقررات دولتی است. اما سؤال آن است که آیا افراد می‌توانند از تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی و مأمورین که به دلیل اشتباه مقام اداری صادر شده، نیز برطبق ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰، نزد شعب دیوان اقامه دعوا نمایند و خواستار رسیدگی شوند؟ چند پاسخ می‌توان به این پرسش داد:

پاسخ اول مبتنی بر قبول رسیدگی به شکایت از اشتباه مقام اداری توسط شعب دیوان با این استدلال است که اولاً، در ماده ۱۰ به‌طور عام، رسیدگی به شکایات بیان شده و سبب شکایت تصریح نشده است. به همین دلیل، به نظر می‌رسد سبب شکایت ممکن است هر امری باشد که شامل اشتباه مقام اداری نیز می‌شود. از سوی دیگر، در صدر ماده ۱۱ قانون آمده است، «در صورتی که تصمیمات و اقدامات موضوع شکایت، موجب تضییع حقوق اشخاص شده باشد...». تضییع حقوق اشخاص مستراً در ماده ۱۲ نیز استفاده شده و اشتباه مقام اداری در مواردی می‌تواند موجب تضییع حقوق اشخاص گردد که در این موارد، هیئت عمومی دیوان، صالح رسیدگی به آن است. بر همین اساس، می‌توان گفت در ماده ۱۰ و ۱۱ نیز مصداق اقدام و تصمیم

1. LeSuer, Andrew & Sunkin, Maurice. (1997), *Public Law*, London, Longman, p.469; Alder, *op.cit.*, p.368.

2. Lombard & Dumont, *op.cit.*, p.441.

موجب تضییع حقوق اشخاص می‌تواند اشتباه مقام اداری باشد و شعب دیوان، صلاحیت رسیدگی به این امر را دارند؛ دلیل سوم آنکه، چه ماده ۱۰ و چه ماده ۱۲ در بیان جهات نظارت قضایی، مخالفت با قانون یا خروج از حدود اختیارات را بیان می‌کند؛ لذا خروج از حدود اختیارات می‌تواند جهت مستقل نظارت باشد. با توجه به عدم ذکر سبب در ماده ۱۰ و عمومیت ماده ۱ در بیان صلاحیت دیوان و مبنای خروج از اختیار، هر مصداق خروج از اختیار و تخلف از قانون می‌تواند موجب شکایت از تصمیم مقام اداری نزد شعب دیوان گردد که یکی از اسباب نیز اشتباه مقام اداری است.

پاسخ دوم آنکه به دلیل عدم صراحت در ماده ۱۰ در ذکر تجاوز از اختیارات و تخلف از قانون و به تبع آن، اشتباه مقام اداری، شعب نمی‌توانند به این امر رسیدگی نمایند و اگر قانون‌گذار قصد داشت تا شعب واجد این صلاحیت باشند، این امر را به صراحت ذکر می‌کرد. دیگر آنکه در ماده ۱ این قانون نیز در بیان اهداف ایجاد دیوان عدالت در راستای اصل ۱۷۳ قانون اساسی، یکی از جهات رسیدگی، خروج مقامات «تصویب‌کننده آیین‌نامه دولتی» از حدود اختیارات است که خود تأکید دیگری بر صلاحیت هیئت عمومی در رسیدگی به اشتباه مقام اداری در تصویب مقررات دولتی و امکان ابطال آن است و باتوجه به تصریح بر «خارج از حدود اختیارات مقام تصویب‌کننده»، صلاحیت شعب دیوان در رسیدگی به اشتباه مقام اداری برداشت نمی‌شود.

این پاسخ می‌تواند این‌گونه مورد نقد و پاسخ قرار گیرد که عبارت موجود در بند ۱ ماده ۱۲ قانون فعلی (مصوب ۱۳۹۰)، قبل از قانون سال ۱۳۸۵ دیوان، در ذیل بند ۱ ماده ۱۱ قانون دیوان مصوب سال ۱۳۶۰ آمده بود و به نوعی جهات نظارت قضایی بر تصمیمات، اقدامات و مقررات را بیان می‌کرد. در سال ۱۳۸۵، به شکلی غیرصحیح، صلاحیت هیئت عمومی و شعب دیوان از یکدیگر تفکیک شد؛ اما ذیل بند ۱ ماده ۱۰، جهات نظارت قضایی مورد اشاره قرار نگرفته و تنها در ماده ۱۲ این جهات مورد تصریح قرار گرفته است. لذا به نظر می‌رسد گرچه قانون‌گذار در ماده ۱۲ به جهات نظارت قضایی خاصی اشاره کرده است، با توجه به ماده ۱ که عبارت «خروج از حدود اختیارات» در آن مقرر شده و شامل تصمیمات، اقدامات و مقررات است و با توجه به تعریفی که آموزه حقوقی «خروج از حدود اختیارات» - چه در تفسیر موسع و چه در تفسیر مضیق

دارد، می‌توان قائل به این شد که در ارتباط با تصمیمات و اقدامات موردی نیز اشتباه مقام اداری می‌تواند یکی از جهات نظارت قضایی دیوان قرار بگیرد.

۳.۲. نظارت قضایی بر اشتباه موضوعی مقام اداری در رویه دیوان عدالت اداری

با توجه به شناسایی مبنای تجاوز از اختیارات و غیرقانونی بودن برای نظارت قضایی در قانون دیوان، در تعدادی از آرای هیئت عمومی و شعب دیوان نیز به صورت استناد صریح یا ضمنی به اشتباه مقام اداری اشاره شده است؛ گرچه اشتباه به طور مستقل مبنای صدور رأی دیوان نبوده است، به نظر می‌رسد با توجه به عنوان عام قانونی تجاوز از حدود اختیارات، می‌توان این مسئله را به طور آموزه حقوقی وارد عرصه حقوق اداری و حتی قانون نمود و بتوان در رویه نیز به طور صریح بر مبنای مستند قانونی موجود بدان استناد نمود و اشتباه را مبنای صدور حکم قرار داد.

یکی از مصادیقی که هیئت عمومی دیوان به اشتباه مقام اداری اشاره شده، رأی مورخ ۱۷ تیر ۱۳۹۲ هیئت عمومی به شماره دادنامه ۲۵۰ در خصوص ابطال مصوبه جلسه ۱۴۰۴ هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۸، ابلاغ شده با شماره ق س/۲۸۸/ت-هم/۱۰-۳۰۷-۱۳۸۳/۲/۵ اداره تدوین و هماهنگی مقررات اداری و استخدامی شرکت ملی نفت ایران است که از طرف سازمان بازرسی کل کشور مورد شکایت واقع شد؛ با این استدلال که شرکت مذکور طی مصوبه خود بدون اینکه جواز از هیئت وزیران داشته باشد و یا در متن مصوبه به مجوز صادر شده استناد کرده باشد، از ابتدای سال ۱۳۸۳ با حذف فوق‌العاده محرومیت از مطب برای پزشکان شاغل در سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت، فوق‌العاده‌ای تحت عنوان «فوق‌العاده ارزیابی عملکرد پزشکان» را برقرار کرده است. در راستای اجرای این مصوبه، اداره تدوین و هماهنگی مقررات اداری و استخدامی شرکت ملی نفت و هیئت مدیره سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت، مصوبه هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران را به گونه‌ای تفسیر و اجرا کردند که فوق‌العاده ارزیابی پزشکان سازمان یاد شده، بیش از دو برابر مجموع حقوق و مزایای مستمر پزشکان شود. همچنین در مصوبه مذکور بر طبق امتیازات در نظر گرفته شده، فوق‌العاده پزشکان گروه غیرجراحی دو برابر گروه جراحی پیش‌بینی شده بود؛ لذا درخواست ابطال مصوبه

ارائه شد.^۱ هیئت عمومی در خصوص بخش دوم دادخواست حکم داد که «با امعان نظر به نحوه محاسبه فوق‌العاده مذکور به شرح مندرج در دستورالعمل اجرایی مصوبه هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران، علی‌الاصول دو برابر تلقی کردن امتیازات گروه غیرجراحی نوعی تفسیر اشتباه از مفاد مصوبه فوق‌الذکر اداره تدوین مقررات است؛ چرا که اعمال فرمول مربوط به معنی دو برابر اعمال کردن امتیازات گروه غیر جراحی نسبت به گروه جراحی نیست؛ بلکه فرمول مربوط به دنبال نسبت‌سازی تجمیع امتیازات دو گروه بوده است. بدیهی است، با توجه به سختی کار گروه جراحی، پرداخت دو برابر مجموع حقوق و مزایای مستمر ماهانه گروه غیر جراحی و جاهت منطقی، تعلق و مقرراتی نمی‌تواند داشته باشد».

اشتباه مذکور در پرونده، نوعی اشتباه موضوعی است که در نتیجه انطباق ناصحیح حکم قانونی بر مصادیق توسط مقام اداری پیش آمده است. اداره تدوین مقررات با درک ناصحیح از قانون که خود نوعی اشتباه حکمی است، در اعمال مصوبه و فرمول تعیین شده در آن بر مصادیق، دچار اشتباه شده و به جای نسبت‌سازی امتیازات در مصداق‌های موجود، امتیازات یکی از مصادیق را دو برابر دیگری نموده است.

در آرای شعب نیز پرونده‌هایی وجود دارد که خواهان صریحاً یا به طور ضمنی اشتباه مقام اداری را در دادخواست بیان نموده یا دیوان در بررسی خود به طور ضمنی به اشتباه موضوعی یا مصادیقی مقام اداری پی برده و بر مبنای آن - البته نه با استناد و استدلال مستقیم - به صدور حکم اقدام نموده است. از مصادیق آن، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۲۶۰۳۵۳۳ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۷ شعبه ۲۹ است. در پرونده مذکور، اداره ثبت احوال به دلیل مخدوش بودن قسمتی از شناسنامه، از صدور شناسنامه المثنی استنکاف نمود. در این مورد، با وجود اینکه اداره ثبت احوال در محدوده صلاحیت خود اقدام نموده، اما دچار اشتباه در تعیین مصادیق دلایل موجهه

۱. دیوان با بررسی دستورالعمل ارزیابی پزشکان در هر دو گروه بیان می‌کند که طبق دستورالعمل مذکور، «...اگرچه کمیت کار پزشکان شاغل در کارگروه غیرجراحی براساس عملکرد واقعی آنان محاسبه و امتیاز متعلق به آن تا سقف ۱۰۰ تعیین شده است؛ بدین معنی که پزشکان گروه جراحی واجد شرایط کسب کل امتیازات تا سقف ۱۰۰ امتیاز و گروه غیرجراحی تا سقف ۲۰۰ امتیاز می‌باشند، لکن پرداخت متعلق به ۲۰۰ امتیاز گروه غیرجراحی، معادل پرداخت متعلق به ۱۰۰ امتیاز گروه جراحی است. همچنین آن دسته از پزشکانی که صرف نظر از تعلق به گروه‌های جراحی و غیرجراحی در مسئولیت‌های اجرایی مشغول به کار می‌گردند، از امتیازات فوق‌الاشاره محروم و صرف امتیاز مربوط به مسئولیت‌های اجرایی، متناسب با نوع مسئولیت و وظایف سازمانی و اجرایی... برخوردار می‌شوند...».

صدور شناسنامه المثنی شده بود. شعبه ۲۹ در رأی خود این مسئله را دلیل موجهی برای عدم صدور شناسنامه المثنی ندانسته، حکم الزام مشتکی‌عنه به صدور شناسنامه را صادر نمود. رأی دیگر به شماره دادنامه ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۱۸۰۳۶۷۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۹، از موارد اشتباه در تشخیص مصادیق مشاغل سخت و زیان‌آور توسط مقام اداری است. در پرونده مذکور که علیه اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی تهران مطرح شده، شاکی مدعی شده که کارگر خدماتی در کارگاه با مواد شیمیایی و اسیدی است و به دلیل ارتباط با مواد مذکور، آثار این مواد در بدن وی موجود است؛ اما کمیته تشخیص و تطبیق مشاغل سخت و زیان‌آور به صرف اینکه مشاغل خدماتی جزء مشاغل سخت و زیان‌آور نیست، کار وی را جزء مشاغل ذکر شده ندانسته است. دیوان این سخن را نپذیرفته، بیان می‌کند: «اشتغال کارگر ولو تحت عنوان کارگر خدماتی در کارگاهی که نوع فعالیت آن در محیط آلوده است، مشمول مشاغل سخت و زیان‌آور است». در واقع دیوان معتقد است کمیته مذکور در تطبیق عنوان بر مصادیق دچار اشتباه شده و صرف عنوان کارگر خدماتی بودن را دلیلی بر سخت و زیان‌آور نبودن دانسته، در حالی که باید به محل و نوع کار، توجه شود.

رأی دیگر، شکایت علیه شهرداری در وضع عوارض محلی توسط شورای اسلامی با مصداق اخذ عوارض کسب و پیشه مشاغل از بانک‌هاست. در دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۲۸۴۸۷۱ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۵ و مصادیق متعدد دیگر به استناد آرای متعدد هیئت عمومی از جمله رأی شماره ۲ مورخ ۱۳۸۹/۱/۱۶ بیان می‌دارد: «تمامی مصوبات اخذ عوارض کسب و پیشه مشاغل از بانک‌ها به علت خروج موضوعی از عوارض محلی و فعالیت کشوری بانک‌ها، مؤسسات اعتباری و مالی، مغایر قانون تشخیص و ابطال گردیدند». در رأی مذکور و رأی وحدت رویه مورد استناد با اشاره به عوارض محلی و خروج موضوعی بانک‌ها از این عوارض، به طور ضمنی اشاره می‌کند که شوراها و دپار اشتباه در تطبیق مصداق با حکم شده‌اند و بانک‌ها را نیز مصداق دریافت عوارض فرض نموده‌اند.

نتیجه‌گیری

اشتباه موضوعی زمانی است که مقام اداری در تشخیص موضوع یا در تشخیص درست مصادیق قانونی دچار اشتباه شده است. در نظام حقوقی فرانسه، اشتباه موضوعی شامل اشتباه در موضوع و عدم تناسب میان هدف تصمیم و موضوع است. اشتباه در موضوع شامل سه دسته نظارت‌پذیر اشتباه در رکن مادی، اشتباه در انطباق مصداق بر حکم قانونی و اشتباه آشکار ارزیابی در انطباق می‌گردد که در آن، مقام اداری تصمیم خود را با تکیه بر موضوعی که وجود نداشته یا متفاوت بوده، می‌گیرد یا در انطباق مصداق با حکم قانونی دچار اشتباه شده و گمان می‌کند وضعیتی مشمول عنوانی است که قانون خاص ارائه می‌دهد. عدم تناسب میان هدف تصمیم و موضوع، در تمامی انواع، شامل تناسب کامل، تناسب بخشی و تراز هزینه-فایده، قابل نظارت قضایی است و در آن، تناسب تصمیم نسبت به موقعیت موضوع با در نظر گرفتن هدفی که سازمان دولتی در نظر دارد یا نسبت سودوضرر یک تصمیم، بررسی می‌شود.

باتوجه به اینکه مفهوم اشتباه موضوعی در حقوق اداری ایران دارای سابقه مفهومی غنی نیست و مبتنی بر فقه، محدود به موارد اشتباه در خود موضوع و در انطباق حکم بر مصداق خارجی می‌شود، برای شناسایی مصادیق آن در عرصه حقوق اداری، می‌توان از انواع اشتباه موضوعی در قوانین و رویه قضایی نظام فرانسه استفاده نمود؛ چه آنکه با بررسی موارد ذکر شده در رویه قضایی که به بررسی آن پرداختیم، مصادیق خارجی آن در میان تصمیمات اداری نیز وجود دارد؛ اما با عنوان اشتباه، شناسایی نشده یا به دلیل عدم شناخت موجب اشتباه، به عنوان مبنای نظارت قضایی مورد استناد قرار نمی‌گیرد.

برای نظارت قضایی بر اشتباه مقام اداری در حقوق ایران، می‌توان از مفاهیم قانونی کلی‌تر چون «احقاق حقوق»، «قانونی بودن» و «خروج از حدود اختیارات» بهره برد. در سایر نظام‌های حقوقی مانند انگلستان، آلمان و فرانسه، اشتباه یکی از مصادیق نقض قانون‌مداری یا خروج از اختیار است؛ لذا می‌توان از این مفاهیم مصرح قانونی در حقوق ایران برای نظارت بر اشتباه استفاده کرد و مبتنی بر اشتباه، نظارت قضایی نموده، حکم صادر نمود. به نظر می‌رسد با توجه به گستردگی مصادیق هر مبنای نظارت، لزومی بر تصریح تمامی مصادیق از جمله اشتباه در قانون نیست؛ گرچه تصریح قانونی با توجه به نوشته بودن نظام حقوقی ما خالی از فایده نیست. ضمن آنکه باید بر این مسئله توجه داشت که در مواد ۱ و ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری، موجبات

رسیدگی فوق‌الذکر تنها برای هیئت عمومی تصریح شده و در خصوص صلاحیت شعب، اختلاف نظر وجود دارد. برخی با دلایلی مانند معیار مشترک گرفتن از ماده ۱۲، بیان موجبات به طور کلی در ماده ۱، واژه کلی شکایت و عدم ذکر سبب شکایت در ماده ۱۰ و تفسیر موسع خروج از اختیارات که اشتباه مقام اداری را نیز در بردارد، رسیدگی به اشتباه را در صلاحیت شعب نیز می‌دانند. با وجود اختلاف نظر مذکور، به نظر می‌رسد صلاحیت شعب در نظارت مبتنی بر اشتباه، نیازمند اصلاح قانون است.

به دلیل عدم تصریح دقیق بر جهات نظارت قضایی در قانون دیوان و همچنین آموزه‌های حقوقی، با بررسی آرای هیئت عمومی مشخص شد، ابطال مصوبه صرفاً به دلیل اشتباه مقام اداری وجود ندارد؛ اما در برخی آرای هیئت عمومی دیوان به اشتباه موضوعی در اصل موضوع اشاره و برطبق آن، اقدام به ابطال مصوبه شده است و یکی از دلایل مستقیم یا غیرمستقیم ابطال مصوبه، وجود اشتباه مقام اداری است. از سوی دیگر، با توجه به عدم شناسایی قانونی صلاحیت شعب دیوان عدالت اداری در نظارت بر اشتباه مقام اداری و با توجه به محوریت قانون در صدور آرا در نظام حقوقی ایران، نتوانستیم رأی صریحی مبتنی بر اشتباه مقام اداری در میان آرای شعب دیوان بیابیم. اما با تشریح دقیق جهات نظارت قضایی در آموزه حقوقی و تعیین جایگاه اشتباه موضوعی در آن، زمینه اصلاح قانون دیوان و امکان ورود دیوان در خصوص دعاوی مذکور و نظارت قضایی مبتنی بر انواع اشتباه مقام اداری به طور مستقل و صدور حکم برای آن فراهم می‌گردد؛ البته باید توجه داشت، نبود حکم قانونی در این زمینه، به معنای عدم توجه قضات دیوان به مسئله اشتباه مقام اداری نیست و اگرچه اشتباه مقام اداری، جهت مستقل در صدور آرای شعب نبوده، در برخی آرا بدان استناد شده و رأی، تحت تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم آن قرار گرفته است.

با وجود نظارت‌پذیری انواع اشتباه موضوعی در نظام حقوقی فرانسه و با توجه به امکان استناد به اشتباه به عنوان دلیل موجه عمل در صورت اثبات اشتباه فرد و وجود اعتقاد به صحت عمل، به نظر می‌رسد نظارت‌پذیری موارد تمام موارد اشتباه موضوعی، اعم از اشتباه در تشخیص موضوع یا در ارزیابی آن و انطباق مصداق بر حکم قانونی و یا تناسب موضوع با هدف قانونی، مورد اتفاق نظر حقوق فرانسه و ایران است. در صورت وجود این نگرانی که نظارت بر اشتباه

موضوعی موجب دخالت مقام قضایی در موضوع اداری می‌گردد، نیز با تفکیک موارد اشتباه آشکار و غیر آن می‌توان نظارت قضایی را توجیه کرد. در مواردی که اشتباه آشکار در تشخیص موضوع، ارزیابی، انطباق یا تشخیص تناسب وجود دارد، مقام قضایی اقدام به تشخیص موضوع نموده، به نحو مستدل حکم مقتضی را صادر می‌کند. اما در سایر موارد، می‌توان طریق ارجاع موضوع به کارشناسان متخصص را پیش‌بینی نمود تا مبتنی بر نظر تخصصی در خصوص آن موضوع، حکم صادر شود و مانند اعلام نظرات کارشناسی در سایر موارد ارجاع قضایی، نظرات ایشان ضم حکم قضایی شود. مرجع تخصصی مذکور در نهادی مانند دیوان می‌تواند هیئت‌های تخصصی دیوان یا بهره‌گیری از نظرات کارشناسان مانند موارد پیش‌بینی شده در مواد ۶۳ و ۶۴ قانون دیوان باشد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. احمدوند، بهناز، فاطمه افشاری، و سید شهاب‌الدین موسوی‌زاده، **نظارت قضایی بر اشتباه مقام اداری**، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۵.
۲. امامی، سید حسن، **حقوق مدنی**، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۷.
۳. پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، **دیوان عدالت اداری؛ بازخوانی جایگاه، صلاحیت و دادرسی قضائی**، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک (گروه پژوهش‌های حقوقی و فقهی)، پژوهشنامه شماره ۱، ۱۳۸۶.
۴. راسخ، محمد، **نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی ایران**، تهران: دراک، ۱۳۸۸.
۵. موسوی، محمدصادق، **مبانی نظری جهل و اشتباه و آثار آن بر اعمال حقوقی**، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲.
۶. صدرالحفاظی، سیدنصرالله، **نظارت قضائی بر اعمال دولت در دیوان عدالت اداری**، تهران: شهریار، ۱۳۷۲.
۷. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، **حقوق اداری تطبیقی**، تهران: سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۷.

مقاله

۸. آخوندی، روح‌اله، **مفهوم جهل**، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال سیزدهم، ۱۳۹۱، شماره ۱، پیاپی ۳۵، صص ۹۵-۱۲۴.
۹. آقای نی، حسین و رضا زهروی، **مطالعه تطبیقی جهل بسیط متهم و آثار آن در فقه امامیه، حقوق کیفری ایران و آمریکا**، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، ۱۳۸۸، شماره ۴، صص ۱-۱۹.
۱۰. ساریخانی، عادل و داوود کرمی گل‌باغی، **تأثیر جهل حکمی بر مسؤولیت کیفری از منظر فقه امامیه**، مطالعات حقوقی، دوره دوم، ۱۳۸۹، شماره ۲، صص ۵۷-۸۲.

۱۱. ویژه، محمدرضا و فاطمه افشاری، **امکان‌سنجی نظارت بر اشتباه مقام اداری در حقوق اداری ایران با رویکردی به فقه امامیه و نظام حقوقی ایران**، پژوهشنامه حقوق اسلامی، بهار و تابستان، ۱۳۹۵، دوره ۱۷، شماره ۱، پیاپی ۴۳، صص ۵۱-۸۱.
۱۲. هداوند، مهدی، **نظارت قضایی: تحلیل مفهومی تحولات اساسی، حقوق اساسی**، سال هفتم، ۱۳۸۷، شماره ۹، صص ۷-۵۶.

پایان‌نامه و رساله

۱۳. افشاری، فاطمه، «الگوی مطلوب نظارت قضایی بر اشتباه مقام اداری در حقوق ایران با رویکردی تطبیقی به حقوق انگلستان و فرانسه»، رساله دکتری حقوق عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۶.
۱۴. ملکوتی‌هشجین، سیدحسین، «نظارت قضایی بر قانونمندی اعمال اداری: مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی انگلیس و ایران»، رساله دکتری حقوق عمومی، پردیس قم دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
۱۵. نجابت‌خواه، مرتضی، «روش‌های جبرانی قضایی در حقوق اداری انگلستان و ایران»، رساله دکتری حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۱.

ب) منابع عربی

۱۶. قرآن کریم
۱۷. بیونی عبدالله، عبدالغنی، **القضاء الاداری**، الطبعة الثالثة، الاسكندرية: منشأة المعارف، ۲۰۰۶م.
۱۸. التفتازانی، سعدالدین، **مختصر المعانی**، قم: دارالفکر، ۱۴۱۱ه.ق.
۱۹. الحسینی المراغی، سیدمیر عبدالفتاح بن علی، **العناوین الفقهیه**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ه.ق.
۲۰. الحکیم، محمدتقی، **الاصول العامه للفقهاء المقارن**، بیروت: دارالاندلس، ۱۹۶۳.
۲۱. الخراسانی، محمدکاظم بن حسین (آخوند خراسانی)، **دروس فی الکفایه**، شرح غلامعلی محمدی بامیانی، بیروت: دارالمصطفی (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۹ه.ق.

۲۲. العاملی، محمدبن حسن (شیخ حرعاملی)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ه.ق.
۲۳. المظفر، محمدرضا، *شرح اصول فقه*، شارح: علی محمدی، قم: دارالفکر، ۱۳۸۷.
۲۴. الموسوی‌الخویی، سیدابوالقاسم، *مبانی تکملة المنهاج*، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی(ره)، ۱۴۲۲ه.ق.

ج) منابع انگلیسی

Books

25. Alder, John.(2002), *General principles of constitutional and administrative law*, 4th edition, NewYork, Palgrave.
26. Barnett, Hilaire.(2007), *Constitutional and administrative law*, 6th edition, Milton Park, Routledge, Cavendish.
27. Bell, John and Others.(1998), *Principles of French Law*, NewYork, Oxford University Press.
28. Bell, John.(1998), *Principles of French Law*, NewYork, Oxford University Press.
29. Carroll, Alex.(2011), *Constitutional and administrative law*, Longman.
30. Coles, Joanne & Reynolds, Jane.(2008), *Key facts: Constitutional and administrative law*, 2nd Edition, London, Holder Arnold.
31. Fordham, Michael.(2008), *Judicial Review Handbook*, 5th edition, Oxford, Hart Publishing.
32. LeSuer, Andrew & Sunkin, Maurice.(1997), *Public Law*, London, Longman.
33. Manfredi, Christopher and Rush, Mark.(2013), *Judging Democracy*, Toronto, University of Toronto Press.
34. Martin, Jacqueline and Turner ,Chris.(2007), *Constitutional and Administrative Law, key cases*, Hodder Arnold.
35. Richardson, Elizabeth C.(1996), *Administrative Law and Procedure*, Clifton Park, Delamar Cengage Learning.
36. Rose, Susan & Ackerman & L.Lindseth, Peter.(2011), *Comparative Administrative Law*, Edward Elgar Pub.
37. Sellick, Joanne.(2010), *Key Facts constitutional & administrative law*, Hodder Education.

38. Stott, David & Felix, Alexandra.(1997), *Principles of Administrative Law*, 1st ed, London, Sydney: Cavendish Publishing Ltd.
39. Wade, William and Christopher, Forsyth.(2004), *Administrative Law*, 9th edition, Oxford.

Articles

40. Auby, Jean-Marie & Fromont, Michel.(1971), "Les recours juridictionnels contre les actes administratifs spécialement économiques dans le droit des Etats membres de la CEE(Rapport Final)", *Commission Des Communautés Europeennes*, Serie Concurrence- PpRochement Des Legislations, Bruxelles, No.12.
41. Cane, Peter.(2004), "Understanding Judicial Review and its impact" ,in: *Judicial Review and Bureaucratic Impact*, Marc Hertogh and Simon Halliday(ed), Cambridge University Press.
42. Cohen, M.(2010), "Legal Transplant Chronicles: The Evolution of Unreasonableness and Proportionality Review of the Administration in the United Kingdom", *American Journal of Comparative Law*, Vol.58, pp. 583-629.
43. Goudie QC, James.(2008), *Judicial Review for Error of Fact*: Available in: <http://www.11kbw.com/blogs/local-government-law/judicial-review-for-error-of-fact/>.
44. Morton, F.L.(1988), "Judicial Review in France:A Comparative Analysis", *The American Journal of Comparative Law*, Vol.36, No.1.

(د) منابع فرانسوی

Ouvrages

45. Dupuis, Georges and Guédon, Marie-José and Chrétien, Patrice.(2000), *Droit Administratif*, 7^{édition}, Paris, Armand Colin .
46. Gondouin, Geneviève & Inseguet-Brisset, Véronique & VanLang, Agathe. (2002), *Dictionnaire de droit administratif*, Paris, Armand Colin.
47. Leberton, Gilles.(2007), **Droit Administratif Général**, Paris, Dalloz.
48. Lombrard, Martine and Dumont, Gille (2009), *Droit Administratif*, 8th edition, Paris, Dalloz.
49. Rivero, Jean & Waline, Jean.(2002), *Droit Administratif*, Paris, Dalloz.

Notes

50. Sriwannapruet, Paleerat.(2012), **Les Principes generaux du droit administratif francais et thalandaï, Hal archivesouvertes .fr**, Available in: <https://tel.archives-ouvertes.fr/tel-00719580>, Submitted on 20 Jul 2012.
51. Tifine, Pierre.(2014), **Droit administratif français – Deuxième Partie – Chapitre 2**, Available in: <http://www.revuegeneraledudroit.eu/blog/2013/08/17/droit-dministratif-francais-deuxieme-partie-chapitre-2/>.

